خبر

مراسم بزرگداشت روز خبرنگار از فضای سنگین و بی‌روح تا هدیه استاندار به اصحاب رسانه

روزخبرنگار

به گزارش «توسن»، مراسم گرامیداشت ۱۷ مرداد روز خبرنگار، در سالن خاتم استانداری سیستان و بلوچستان با حضور مسئولان و جمعی از خبرنگاران برگزار شد.

همکاران رسانه‌ای به نمایندگی از خبرگزاری‌ها، سرپرستی نشریات کشوری و روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی به تشریح خواسته‌ها، مشکلات و خاطره‌گویی از روزهایی سخت خبرنگاری پرداختند.

اگر چه این عزیزان بر مشکلات و خواسته‌ها بیشتر تاکید داشتند اما جمع حاضر هیچ ذوق و رمقی برای گوش دادن حتی به حرف‌های همکاران نداشتند، زیرا امیدی به آینده نداشتند، هر سال این خواسته‌ها مطرح می‌شود، مشکلات تشریح می‌شود، مسئولان به احترام روز خبرنگار می‌شنوند و تایید می‌کنند اما کو تا عمل!!!

جالب آنکه نمایندگان رسانه‌ها که برای تشریح مشکلات جامعه خبرنگاران گزینش شده بودند یا شاید خود اعلام آمادگی کرده بودند، همه دستی در دولت داشتند، از معاون استاندار گرفته تا معاون یکی از ادارات استان که این موضوع مورد نقد استاندار سیستان و بلوچستان قرار گرفت به طوری که مانع سخنرانی یکی از سخنرانان رسانه‌ای منتسب به دولت شد.

در این میان سخنرانی و بیانات شیوای نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان در حمایت از خبرنگاران و اصحاب رسانه، فضای کسالت‌آور حاکم بر مراسم را تغییر داد.

بیشتر حاضران از شنیدن حرف‌های تکراری هم‌صنفان خود که هر ساله مطرح می‌شود و نه تنها یکی کم نمی‌شود، بلکه یکی یکی به آنها اضافه می‌شود، خسته بودند و برای فرا رسیدن نوبت سخنرانی استاندار لحظه‌شماری می‌کردند تا شاید حرف‌ها و مژده‌های او این روز را به کامشان شیرین کند.

استاندار سیستان و بلوچستان در این نشست ضمن انتقاد از فضای ملالت بار و کسل‌آور این مراسم سعی کرد با حرف‌های خوب و لبیک به خواسته‌های خبرنگاران روح و جان دوباره به آنها دهد.

علی‌اوسط هاشمی از قول مساعد برای راه‌اندازی چاپخانه در سال‌جاری شروع کرد و گفت: راه‌اندازی چاپخانه در استان به عنوان یک ضرورت پیگیری می‌شود.

وی با بیان اینکه هنوز اعتبارات پروژه‌ها به استان تخصیص داده نشده، و وضع مالی استان خوب نیست، گفت: به آینده امیدوار هستیم و امسال را جزء آرمانی‌ترین سال‌ها می‌دانیم، آنچه قابل تامل است اینکه با این شرایط بی‌پولی استان دو معاون خود بعلاوه خانه مطبوعات استان را مکلف کرد تا رسیدگی به مشکلات مطبوعات به ویژه راه‌اندازی چاپخانه را در دستور کار قرار دهند.

استاندار سیستان و بلوچستان خطاب به معاونان خود، بیان کرد: با ایجاد چاپخانه باید سعی شود به وعده‌ها جامع عمل پوشانده شود و ایجاد این چاپخانه به عنوان یادگاری از تیم مدیریتی دولت یازدهم برای خبرنگاران به یادگار بماند.

هاشمی بر حمایت از خانه مطبوعات استان از طریق اعتبارات توسعه‌ای استان تاکید کرده و معاون برنامه‌ریزی استانداری را مکلف کرد تا راهکاری برای حمایت از مطبوعاتی‌ها یافته و بودجه‌ای را به این مجموعه اختصاص دهد.

وعده دیگر استاندار سیستان و بلوچستان در شب گرامیداشت ۱۷ مرداد به خبرنگاران حمایت از خبرگزاری‌ها در قالب تحویل امکانات و تجهیزات اولیه از قبیل دوربین عکاسی بود که امیدواریم محقق شود.

این مسئول برای برطرف شدن مشکل مسکن خبرنگاران نیز قول مساعد داد با وزیر راه و شهرسازی در این زمینه هماهنگی لازم را انجام داده تا از طریق وام‌های کم بهره به خبرنگاران بتوان مشکل مسکن آنها نیز برطرف کرد.

با توجه به اینکه استاندار سیستان و بلوچستان در این جلسه تاکید کرد: سقوط ما روزی است که مردم ما را دروغگو بپندارند، امیدواریم تا حد توان در راستای جامع عمل پوشاندن به این وعده‌های مهم در راستای ارتقا و اعتلای کار خبرنگاران استان، تلاش کنند.

گفتنی است، راه‌اندازی چاپخانه تا پایان امسال، هدیه استاندار سیستان و بلوچستان به جامعه مطبوعاتی و خبرنگاران این منطقه بود.

منبع: فارس

ابتکار : هامون پرآب است

این مسئول باید هامون را نجات بدهد!

به گزارش «توسن»، دکتر معصومه ابتکار امروز در صبحانه خبری که به مناسبت روز خبرنگار در سازمان محیط زیست برگزار شد، درباره خشک شدن تالاب هامون مدعی شد: «خوشبختانه در حال حاضر با ریشه‌یابی این موضوع، اگر چه حدود دو سال از ابتدای دولت یازدهم طول کشید و برداشتن دایک‌های مرزی، جریان آب وارد تالاب هامون شده و در حال حاضر پر آب است.»

رئیس سازمان محیط زیست امروز مدعی شد که خشکی هامون به علت دایک های مرزی بود و با درایت دولت اکنون بخش های وسیعی از تالاب پر آب است که این سخنان واکنش های را در پی داشت.

به گفته وی، سازمان محیط زیست از شهریور سال ۹۲ با این پدیده مواجه شد و دریافت که علت خشکی تالاب هامون تنها کاهش بارندگی‌ها و خشکسالی نیست اما به دلیل محرمانه بودن این موضوع، امکان رسانه‌ای کردن آن وجود نداشت. اما سرانجام پس از رایزنی ها با وزارت کشور نیروهای مرزبانی و نیروی انتظامی و دیگر مسئولان مربوط توانستیم موضوع را توجیه کرده و دایک های مرزی را برداریم.

ابتکار افزود: «بر این اساس سال گذشته هامون هفت ماه کامل آب داشت و در حال حاضر نیز اگر چه بخش هایی از هامون و هیرمند همچنان خشک است اما بخش های عمده تالاب پرآب است.»

این سخنان که به گفته بسیاری از هامون نشینان با واقعیت کنونی هامون در تناقض است واکنش متعددی را در بین طیف های مختلف و به ویژه نمایندگان مردم سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی در بر داشت.

من بانوی سیستانم، درد هامون را من می فهمم

در همین رابطه دکتر حلیمه عالی نماینده مردم سیستان در مجلس شورای اسلامی در واکنش به سخنان امروز معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست بیان کرد: من بانوی سیستانم و چون در هامون زندگی می کنم درد آن را می فهمم.

وی خطاب به رییس سازمان محیط زیست کشور گفت: کاش خانم ابتکار با سفر دیگری به هامون واقعیت ها را از نزدیک مشاهده کنند نه اینکه به خبر های شنیده شده اکتفا کنند.

وی گفت:خشکسالی ۱۸ سال است بر هامون حاکم شده و ربط دادنش به دولت قبلی و دایک های مرزی ادعائی نادرست است و خانم ابتکار به خوبی مطلع هستند که طرح های مطالعاتی صورت گرفته ایجاد انشعابات و آبراهه مختلف در مسیر رود هیرمند در قسمت خاک افغانستان حجم ورودی آب به ایران را کاهش داده است.

عالی اظهار داشت: لبان هامون از خشکی ترک خورده، کجای هامون آب دارد! کسانی که برای شما خبر آورده اند احتمالا نگاهشان را به چاه نیمه ها تنها منبع ذخیره آب به منظور ادامه حیات انسانی در منطقه معطوف کرده اند.

وی افزود: پیشنهاد می کنم رییس سازمان محیط زیست به این دیار آمده، سوار بر بالگرد شده و بر گرد هامون بچرخند تا درد هامون خشک و ترک خورده را که سال ها از بی آبی رنج می برد مشاهده کنند.

نماینده مردم سیستان در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: خانم ابتکار در زمان دولت خاتمی نیز سکان دار محیط زیست بودند و لذا فراموش کرده اند که هامون از آن زمان خشک شده بود!

طرح هایی که بر روی زمین مانده است

حلیمه عالی نماینده مردم سیستان در این راستا می گوید: دولت باید طرح جامع آبیاری مزارع کشاورزی که آخرین نقطه امید مردم سیستان است با مدیریت شخص وزیر پیگیری کند تا مردم سیستان تاوان عدم اجرای صحیح این طرح را ندهند.

وی بیان داشت: نظام جمهوری اسلامی اعتبارات زیادی را برای اجرای طرح‌های مختلف در سیستان هزینه کرده است که متاسفانه به دلیل سوءمدیریت‌ها و انحرافات زیاد دستگاه‌های اجرایی مربوطه به صورت ابتر باقی مانده است که از جمله آنها می‌توان به شهرک‌های صنعتی و طرح ۳ هزار هکتاری اشاره کرد.

نمک هامون شوری ندارد

مردم سیستان که برای آشتی طبیعت در این مدت از هیچ کاری مضایقه نکرده اند حتی تفنگ های خود را در حاشیه هامون شکستند و ساعت های بی شمار نماز باران خواندند و سفره محبت برای مسئولان پهن کردند و حالا دیگر کاری از دستشان برنمی آید.

ساحل نشینان هامون که چشمانشان به امید و تدبیر دولت بود سال پیش با آمدن دکتر ابتکار به منطقه سیستان با خوراندن نان و نمک به وی و لقب دادن «بانوی سیستان» سعی کردند تا وی را نمک گیر کنند و نظر این بانو را برای نجات فرزندش به نام هامون جلب کنند اما حال که می بینند مسئولان محیط زیست دلشان برای ارومیه بیشتر می‌تپد، می‌گویند که نمک دریاچه هامون شوری ندارد و امروز نیز این ادعای غیر واقعی صحه ای بر این امر گذاشت.

خشکسالی‌های مستمر حدود دو دهه گذشته در سیستان، بیکاری طیف وسیعی از کشاورزان و صیادان، آمار رو به رشد بیماران مبتلا به سل و بی‌رونقی بازارچه‌های مرزی و سیل مهاجرت مردم سیستان به حاشیه شهرهای بزرگتر همچون زاهدان از جمله مشکلاتی است که حیات در سیستان را با بحران جدی روبرو کرده است.

با وجود اینکه طی دو سال گذشته به دستور استاندار سیستان و بلوچستان ستاد بحران سیستان و کارگروه ویژه تالاب هامون برای مرهم گذاشتن بر زخم های عمیق مردم سیستان به طور ویژه تشکیل شد و رسانه‌ها نیز با موجی از گزارش‌ها پژواک آلام مردم این منطقه را منعکس کردند اما به گفته نمایندگان مردم سایه سنگین ناامیدی و بی تدبیری بر سیستان هر روز گسترده می‌شود و کسی را یارای این مردمان نیست.

مادر هامون قدمی برای فرزندش بر نداشت

امین‌الله سرابندی یکی از محققان و نویسندگان پیشکسوت سیستانی نیز پیش از این با ارسال نامه ای خطاب به استاندار از بی توجهی به سیستان و هامون ابراز نارضایتی کرده است، می گوید: اینجا دیگر سیستان نیست شهر سنگستان است که با ۵۰ درجه گرما انسان‌ها در خاک می لولند.

وی بیان داشت: اگر نگاهی به اطرافت بنگری آدمیانی را می بینی که در خاک غوطه ورند و ماسک بر دهان و بینی دارند تا شاید بتوانند نفسی بکشند و چونان اشباح این طرف و آن طرف می لولند و گاهی هم بر در خانه نشسته و از تو می پرسند خریدار خانه نیستی؟ چون می خواهند از سرزمین آبا و اجدادی بگریزند.

وی افزود: اینجا سرزمینی است که رتبه یک جهان از بیماری سل دارد آنهم در قرن بیست و یکم و مسئولان به جای گریه با شعف اعلام می کنند اولین کلینیک مجهز مبارزه با سل را امسال افتتاح می کنند و ایا باید با شنیدن این خبر باید خوشحال شد!؟

وی ادامه داد: دولت با شعار تدبیر و امید آمد تا با تدبیر این سرزمین مسلول‌زده را درمان کند و با ایجاد کارخانه، اعتیاد، بیکاری و شرارت را از فرهنگ جامعه بزداید و ۱۰۰هزار آواره ساحل نشینان دریاچه را بر گرداند.

وی افزود: ما به سرکار خانم ابتکار مادر هامون لقب دادیم، پیشوازش کردیم اما می دانید این مادر برایمان چه کرد؟

وی ادامه داد: ایشان به جای اینکه عنوان مادری هامون را حفظ کند برای دریاچه بی علف و شور دریاچه ارومیه بودجه های میلیاردی تصویب کرد که حتی یک ساحل نشین ندارد اما برای فرزندش دریاچه هامون حتی یک قوطی شیر خشک از داروخانه نخرید تا گرسنگی بچه اش را درمان کند.

به واسطه خشکسالی اخیر، کمبود آب و قطع جریان رودخانه هیرمند عملا بخش قابل توجهی از مردم کشاورز، دامدار و صیاد منطقه سیستان بیکار شده اند.

در حال حاضر نیمی از مردم منطقه سیستان تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند و برای دولتمردان ما تحت پوشش قرار گرفتن نیمی از ساکنان یک منطقه وسیع، آمار افتخار آمیزی نیست.

منبع: مهر

رفتار متناقض برخی از نامزدهای انتخاباتی در سیستان و بلوچستان

به گزارش «توسن»، با نزدیک شدن به زمان انتخابات مجلس در استان سیستان و بلوچستان یک کلید واژه خاص در ادبیات عرف جامعه به گوش می رسد؛ من مستقل هستم. اما به واقع معنی این استقلال چیست؟

اگر به تاریخ انتخابات‌های اخیر مجلس در استان مراجعه کنیم واژه نامزد مستقل در آنها خودنمایی می‌کند. دم زدن از استقلال تقریبا همواره و برای اکثر نامزدهای استان مصداق دارد به جز چند نامزد استثناء که همواره بر اصول خود پایبند مانده و مردانه دیدگاه سیاسی خود را اعلام کرده‌اند.

حالا باید به تحلیل این قضیه پرداخت که چرا اکثر نامزدهای مجلس با این تابلو وارد عرصه انتخابات می‌شوند و پس از کسب آرا و وارد شدن به مجلس بر اساس فضای غالب مجلس، خط و خطوط سیاسی خود را انتخاب می‌کنند و بعضا افرادی که وارد مجلس می‌شوند در طی دوره چهار ساله خود چندین بار خط و خطوط سیاسی خود را عوض می‌کنند. به عنوان مثال یکی از نمایندگان زاهدان که ظاهرا عضو جریان اصولگرا در استان بود بعد از ورود به مجلس مواضعش تغییر کرده و با یک سری جریانات دیگر فالوده خورد!

سؤالی که این جا مطرح می‌شود این است که آیا نمایندگان فقط با هدف رای آوردن می‌توانند از مبانی فکری خود گذر کنند و آیا واقعا فردی که هدف و راه خود را مشخص نکرده می‌تواند پیگیر جدی مطالبات حوزه انتخابی‌اش شود.

نکته حائز اهمیت این جاست که اگر افراد خود را وابسته به هیچ جریان خاصی ندانند و به نسبت شرایط رنگ و جریان خود را عوض کنند آیا می‌شود به آنها راجع به مطالبه خواسته‌های مردم اعتماد کرد؟ این در حالی است که اگر این افراد نوع تفکر و دیدگاه سیاسی خود را اعلام کنند و عضو یک حزب و جریان سیاسی خاص باشند براحتی می توان از مجرای حزب و جریان فکری متبوع‌شان از آنها مطالبه‌گری کرد.

از همین رو در ادامه بررسی روند انتخابات در استان سیستان و بلوچستان پایگاه زاهدان‌نیوز، به این پدیده پرداخته که معنی مستقل بودن و انگیزه نامزدها از طرح آن چیست؟

نامزدهای احتمالی که در این مدت وارد عرصه شده اند چه در جنوب استان و چه در شمال استان اکثرا با همین شعار وارد شده اند، حال باید بررسی کرد که دلیل این موضوع چیست؟

باتوجه به بافت قومی و قبیله ای موجود در این استان بعضی ها این گونه تحلیل می کنند که اگر با شعار مستقل بودن وارد شوند احتمال رای آوری شان بیشتر است در حالی که این موضوع کاملا اشتباه است زیرا مردم فهیم این استان از لحاظ بلوغ سیاسی و اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند و به عنوان مثال می توان به اولین سوال جلسات انتخاباتی اشاره نمود که مردم این را می‌پرسند که شما برای چه آمده اید و عضو چه گروهی هستید؟ پس قطعا این تحلیل دیگر جایگاهی نخواهد داشت.

نکته دوم این است که بعضی از نامزدها برای این که در مقابل هیچ جریان سیاسی موضع نداشته باشند این هدف را دنبال می‌کنند در حالی که در سابقه سیاسی گذشته آنها به وضوح حضور در برخی ازجریانات سیاسی وجود دارد اما پای انتخابات که به میان می آید مستقل می شوند! و حتی بعضا منش سیاسی خود را نیز عوض می‌کنند به عنوان مثال تقریبا تمام نمایندگانی که در حوزه سیستان فعالیت می‌کنند همین رویه را دنبال می‌کنند این در حالی است که بعضی از این آقایان سابقه استانداری و حضور در ستادهای انتخاباتی و مجلس را نیز دارند اما گویا آنها را فراموش کرده‌اند و یا دوست دارند که فراموش نمایند.

منبع: زاهدان نیوز

واکنش شدید علما و بزرگان اهل سنت به شایعه تخریب مساجد اهل سنت

به گزارش «توسن»، علما وبزرگان شهرستان ایرانشهر شایعه تخریب مساجد اهل سنت در پایتخت و شهر های ایران را به شدت محکوم کردند.

مدتی است که شایعاتی در شبکه های اجتماعی پخش می شود مبنی بر این که مساجد اهل سنت در شهر های ایران از جمله تهران،فهرج،فارس،توسط دولت در حال تخریب است،این شایعات که ناشات گرفته از ان سوی مرز ها می باشد با هدفی خاص در حال پخش در مناطق سنی نشین ایران از جمله سیستان وبلوچستان می باشد که به طور مستقیم مردم اهل سنت را به مبارزه با نظام خود فرا می خواند.

بزرگان و علمای اهل سنت شهرستان ایرانشهر ضمن تکذیب و محکوم کردن این شایعات از مردم سیستان و بلوچستان خواستند که تن به این شایعات ندهند وهوشیار باشند؛ در همین جهت "مولوی عبدالصمد کریم زایی" امام جمعه اهل سنت شهرستان ایرانشهر در گفتگو با خبر نگار ما گفت:با توجه به اتفاقات منطقه، دشمنان اسلام و ایران درصدد این هستند که با پخش این شایعات نقطه ضعفی در نظام ایجاد کنند،وحدت ملی مردم ایران را برهم زنند.

وی اظهار کرد:در قران کریم امده است، اگر فردی در بین مسلمانان شایعه پراکنی کند مسلمان نیست و از نظر قران شخصی فاسق است زیرا که این عمل باعث هرج و مرج در بین مردم می شود.وی ادامه داد: اهل سنت در قبل انقلاب چند مسجد بیشتر در سطح شهرستان ایرانشهر نداشته ولی بعد از پیروزی انقلاب تا این زمان ،بیش از ۱۳۵ مسجد در شهرستان دارند.

مولوی کریم زایی بیان کرد : این شایعات که در فضای مجازی در حال پخش است هدفی خاص را دنبال میکند و ان هم ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران است،وی ازقشر جوانان و دانشجویان خواست تا بدون تحقیق این شایعات را پخش و باور نکنند، زیرا که این امر مغایر با روحیات انسانی یک مسلمان است.

مولوی عبدالصمد دامنی امام جمعه شهر محمدان در این خصوص گفت: منابع و پخش کنندگان این شایعات افراطیون و ضد انقلاب هستند که در داخل و خارج کشور فعالیت میکنند و قصد دارند با ضربه زدن به وحدت مستحکم مردم سیستان وبلوچستان از قدرت نظام جمهوری اسلامی بکاهند، همانطور که رهبر معظم انقلاب فرموده اند، باید هوشیار باشیم،با وحدت خود نگذاریم که دشمنان ما با از این روش به ما ضربه بزنند.

نادر کریمی بزرگ طایفه براهویی در این رابطه به خبر نگار ما گفت:پخش شایعه در بین مسلمانان یکی از اهداف شوم دشمن برای تضعیف مردم و دولت است،وی ادامه داد: خواسته دشمنان ما از ان سوی مرز ها دو دستگی در بین مردم است،ما باید هوشیار باشیم و نگذاریم اهداف دشمنان در کشور ما تحقق یابد.

منبع: پهره

مرگ خاموش رودخانه‌سرباز در سایه بی‌توجهی

به گزارش «توسن»، ورود فاضلاب‌های خانگی به رودخانه‌سرباز روز به روز در حال افزایش است و در حال حاضر به مرحله‌ای رسیده که مشکلات عدیده زیست محیطی، بستر این رودخانه را تهدید می کند.

رودخانه‌سرباز تنها منبع تامین آب شرب شهرستان سرباز است،این درحالی است که تخلیه فاضلاب های خانگی و دفع زباله در حاشیه آن و حتی تخلیه فاضلاب جمع آوری شده از چاه های فاضلاب شهر راسک در فاصله چندصدمتری چاه های آب شرب این شهر که در بستر این رودخانه حفر شده است علاوه بر ایجاد مشکلات زیست محیطی باعث آلودگی آب مصرفی شهروندان نیز می شود.

اسماعیل پور مسئول بهداشت محیط شبکه بهداشت راسک، با اشاره به وظایف و اقدامات شبکه بهداشت ، به الزام اجرای پروژه فاضلاب شهری راسک تأکید و خاطرنشان کرد: تعجیل در مطالعه و برنامه ریزی این پروژه، نجات حیات این رودخانه،شهروندان و حیوانات بومی آن را تضمین می کند.

وی ادامه داد: منشأ آلودگی رودخانه‌سرباز به دست شهروندان به چند شکل صورت می‌گیرد که در اولویت آن تخلیه فاضلاب انسانی به بستر رودخانه است.

اسماعیل پور توضیح داد: باتوجه به این که ۸۰درصد منازل شهری راسک فاضلاب‌های خانگی خود را به شکل عمدی به رودخانه هدایت می کنند،ودرکنار آن فاضلاب ساختمان‌هایی هم که چاه حفر کرده اند به دلیل بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی به سمت رودخانه‌ها سرریز می‌شوند،هیچ اقدامی در کوتاه مدت نمی توان برای مشکل فاضلاب شهری پیش بینی کرد.

وی درخصوص تخلیه زباله‌های خانگی در حاشیه رودخانه‌های مذکور تأکید کرد: بخش عمده حراست از محیط زیست به عهده شهروندان است که با فرهنگ‌سازی، سطح آگاهی جامعه و مسئولیت‌پذیری افراد بالا می‌رود و در بخش دیگر اداره حفاظت محیط زیست و شبکه بهداشت با خاطیان به شکل جدی و در چارچوب قانون برخورد می کنند.

مسئول بهداشت محیط شبکه بهداشت راسک در پایان گفت:مشکل دفع و تخلیه فاضلاب به وسیله تانکر های خصوصی و دولتی در حاشیه رودخانه و حتی در فاصله ده متری این شهر و رودخانه سرباز هم از بزرگترین مشکلات بهداشتی شهرستان می باشد و ما بارها برای پیگیری این موضوع درجلسات فرمانداری راهایی را پیشنهاد داده ایم که هنوز هم شاهد تخلیه این فاضلاب ها در نزدیکی رودخانه و چاه های آب مصرفی هستیم.

اسماعیل پور با اشاره به اینکه کارگروه مشترکی در همه استان ها به عنوان حفاظت از کیفیت آب با حضور نمایندگان ارگان های مختلف وجود دارد ، گفت : البته همه مسئول حفاظت آب هستند وارگان های مختلف در این زمینه مشارکت می کنند، اما نیاز به کارگروه تخصصی آب در شهرستان سرباز بسیار مهم است.

منبع: پاپایا

توسن

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
حسنعلی نوری
زیر نظر شورای سردبیری
****
سرویس اجتماعی: محمدهادی طهرانی مقدم
سرویس حوزه: حجت احسان منش
فرهنگ و اندیشه: مجتبی جهانتیغ
تاریخ معاصر: مجتبی جهانتیغ
سرویس دفاع مقدس: سعید شهرکی
سرویس دانشگاهی: محمد پاکنهاد
سرویس سیاسی: مرتضی خسروی

تلفکس: ۰۵۴۱-۳۲۲۳۳۹۶
نشانی: زاهدان - کوچه حافظ - جنب مسجد جامع - دفتر هفته نامه توسن
طراح و صفحه آرا: محمد پاکنهاد

آسیب‌شناسی انقلاب مشروطه از منظر رهبر معظم انقلاب؛

غرب‌زدگان و مصادره یک انقلاب

www.iichs.org

مروری بر رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص انقلاب مشروطه نشان می‌دهد که عوامل بیگانه و غرب‌زدگان، برای اینکه بتوانند این جنبش مردمی را به نفع خود مصادره کنند، در ابتدا تلاش کردند تا علما را که رهبران این انقلاب بودند، به انزوا بکشانند تا از این طریق، راه برای ورود تفکرات انحرافی و غربی در جامعه باز شود.

انقلاب مشروطه یکی از نهضت‌هایی بود که بر اساس اظهار نظر روشن‌فکران دینی و سکولار، با نیروی مذهب و با هدایت علما به پیروزی رسید. با این حال، انقلابی که بسیاری از افراد به آن به عنوان سرآغاز رهایی کشور از استبداد می‌نگریستند، چنان دچار انحراف شد که در کمتر از دو دهه، رضاخان میرپنج توانست با استفاده از زور و با حمایت انگلستان به سلطنت برسد و دوباره استبداد را به کشور بازگرداند. اما چه مسئله‌ای باعث شد چنین جنبشی که از حمایت همه‌جانبه‌ی مردم و روحانیون برخوردار بود به انحراف کشیده شود. مقاله‌ی حاضر، با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری در خصوص آسیب‌شناسی مشروطه، به بررسی این مسئله می‌پردازد.

کنار گذاشتن علما

نقش روحانیت در پیروزی انقلاب مشروطه به حدی پررنگ است که حتی شرق‌شناسانی نظیر لمبتون نیز در نوشته‌های خود به این مسئله اشاره کرده و تأکید نموده‌اند که نیرویی که مردم را علیه استبداد بسیج کرد روحانیون بودند. در این ارتباط، مهدی ملک‌زاده، تاریخ‌نویسی که نظر خوبی نسبت به علما ندارد، درباره‌ی نقش روحانیون در پیروزی مشروطه می‌نویسد: «از نظر حقیقت نمی‌توان کتمان کرد که جنبش مشروطه بدون حمایت آخوند خراسانی و آخوند مازندرانی در ایران نمی‌توانست برقرار بشود.»(۱)

ادوارد براون، محقق انگلیسی نیز بر نقش اصلی مذهب در نهضت مشروطه تأکید کرده و عامل اصلی حرکت توده‌ی مردم را توهین حکومت به باورهای مذهبی و دینی مردم می‌داند. همچنین جلال آل‌احمد نیز روحانیت را تنها سد در برابر هجوم غرب‌زدگی به ایران عنوان کرده و معتقد است که کنار گذاشتن این نهاد با اعدام شیخ فضل‌الله نوری، سرآغاز استیلای غرب بر ایران بوده است.(۲)

لمبتون شرق‌شناس نیز در کتاب‌های خود بر نقش علما در پیروزی مشروطه تأکید کرده و می‌نویسد: «آنچه وحدت جامعه را حفظ می‌کرد اسلام بود و آنچه توده‌ی مردم را در زمان مشروطه به حرکت درآورد دعوت مجتهدین بزرگ اسلام بود که از مردم می‌خواستند تا در برابر تجاوز به اسلام قیام کنند. اصولاً طرفداری از مشروطه در نظر مردم، جز در میان یک اقلیت کوچک، به مفهوم بازگشت به معیارهای زندگی اسلامی به کار می‌رفت.»(۳)

با این حال، بعد از مدت کوتاهی، روشن‌فکران غرب‌زده با راه‌اندازی جنگ روانی و بهره‌گیری از عوامل بیگانگان توانستند روحانیت را به انزوا بکشانند. به عنوان مثال، تبلیغات علیه علما به حدی رسید که آیت‌الله طباطبایی در یکی از سخنرانی‌های خود، قرآن را درآورد و سوگند خورد که ماها پول نگرفته‌ایم و حاضریم خود و اولاد خود را در تحصیل آزادی ملت و نجات وطن فدا کنیم. در ادامه‌ی مشروطیت، سید عبدالله بهبهانی، از رهبران اصلی نهضت را چنان ترور شخصیت می‌کنند که حتی بعد از کشته شدن او، سال‌های سال، دروغ‌پراکنی‌هایی که علیه او به راه افتاده بود در جامعه شایع بود.(۴)

در همین ارتباط، مقام معظم رهبری ضمن آسیب‌شناسی کنار گذاشتن روحانیت در جنبش مشروطه، می‌فرمایند: «پیش از این، در کشور خود ما، انقلاب مشروطیت بود؛ اما بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیت به جایی رسید که رضاخان قلدر، فردی که ضد همه‌ی آرمان‌های مشروطه‌خواهی بود، به حکومت رسید.»(۵)

نبود نظارت علما در مجلس

بر اساس متمم قانون اساسی مشروط، باید پنج مجتهد تراز اول از بین بیست نفر از مجتهدانی که علما به مجلس شورای ملی معرفی می‌کردند، به عنوان هیئت ناظر بر مصوبات، در جلسات مجلس حضور می‌یافتند تا مصوبات مجلس مغایرتی با احکام اسلام نداشته باشد؛ اما این اصل هیچ گاه به اجرا گذاشته نشد. در حقیقت پیشینه‌ی عدم اجرای این اصل به زمان طرح آن از سوی علما و شیخ فضل‌الله نوری برمی‌گردد. در آن زمان، بعد از اینکه این پیشنهاد مطرح می‌شود، بلافاصله روشن‌فکران غرب‌زده علیه چنین تصمیمی موضع می‌گیرند و تمامی تلاش خود را انجام می‌دهند تا این اصل تصویب نشود.

در همین راستا، درست در زمانی که قرار بود در روز ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری، طرح نظارت علما بر مجلس تصویب بشود، گروهی از نمایندگان با هدایت تقی‌زاده از این کار جلوگیری کردند و طرح این موضوع را در مجلس به تأخیر انداختند. همچنین عوامل این افراد در روز ۲۰ ربیع‌الثانی، وقتی که روزنامه‌ی صبح صادق این پیشنهاد را چاپ کرد، به دفتر این روزنامه حمله و مدیر روزنامه را مجبور کردند شماره‌ی جدیدی چاپ و شماره‌ی قبلی را باطل اعلام کند. با این حال، بعد از تصویب این اصل، وقتی این افراد دیدند به هدف خود نرسیده‌اند، با انتشار فتوای جعلی منتسب به آخوند خراسانی، که این اصل را زیر سؤال می‌برد، سعی کردند تا مانع از عملی شدن این اصل شوند.(۶)

مقام معظم رهبری یکی از آسیب‌های مشروطه را عدم اجرای این اصل عنوان می‌کنند و معتقدند این مسئله باعث شد تا مقدمات روی کار آمدن رضاخان فراهم شود. ایشان در این باره می‌گویند: «بدون علمای تراز اول در مجلس، مشروطه را به استبدادی از تراز استبدادهای درجه‌ی اول تبدیل کرد؛ یعنی از استبداد ناصرالدین‌شاهی بالاتر! هیچ کس نمی‌تواند بگوید که استبداد رضاخان از استبداد ناصرالدین شاه کمتر است؛ ناصرالدین شاه در قضیه‌ی تنباکو عقب نشست؛ اما رضاخان در سال ۱۳۱۴، حرکت مردم را سرکوب کرد و واقعه‌ی مسجد گوهرشاد را پیش آورد! این‌ها ناشی از عدم حضور علمای تراز اول در مجلس است.»(۷)

سلب اعتماد مؤمنان

بعد از پیروزی انقلاب مشروطه، فضا برای انتشار مطبوعات و نشر عقاید مختلف و همچنین تشکیل انجمن‌ها و گروه‌ها به صورت علنی فراهم گردید. با این حال، در این زمان، دشمنان اسلام با تشکیل انجمن‌های مختلف و انتشار نشریات گوناگون، نه تنها به نشر عقاید مخالف اسلام پرداختند، بلکه در روزنامه‌های خود، برخی از احکام مسلم اسلام را نیز زیر سؤال بردند و خواهان تعطیلی این احکام شدند. در این دوران، وضعیت به جایی رسید که در روزنامه‌ها، به صورت علنی، تبلیغات مشروب و لاتاری چاپ می‌شد و مردم را در شرایطی که کشور وضعیت اقتصادی خوبی نداشت، تشویق به خرید اجناس و پوشاک غربی می‌کردند. این مسئله باعث شد تا علمای اسلام به این موضوع انتقاد کنند و حتی در این باره نامه‌ای به مجلس بنویسند.(۸)

تهاجم به اعتقادات مذهبی مردم از سوی روشن‌فکران غرب‌زده به حدی رسید که آن‌ها به صورت علنی با نفی حجاب زنان، قیام عاشورا و زیارت خانه‌ی خدا و حرم امامان شیعه، این کارها را کهنه‌پرستی عنوان می‌کردند. همچنین غرب‌زدگان تلاش کردند تا دلایل عقب‌ماندگی ایران را به اعتقاد به اسلام نسبت دهند و اعلام کنند که باستان‌گرایی تنها راه نجات ایران است.

در این زمان، تهاجم به اعتقادات مذهبی مردم از سوی روشن‌فکران غرب‌زده به حدی رسید که آن‌ها به صورت علنی، با نفی حجاب زنان، قیام عاشورا و زیارت خانه‌ی خدا و حرم امامان شیعه، این کارها را کهنه‌پرستی عنوان می‌کردند. همچنین غرب‌زدگان تلاش کردند تا دلایل عقب‌ماندگی ایران را به اعتقاد به اسلام نسبت دهند و اعلام کنند که باستان‌گرایی تنها راه نجات ایران است.(۹)

این اقدامات انجمن‌ها در تبلیغات ضددینی باعث شد تا کم‌کم آحاد مردم که دین‌دار و متدین بودند، از مشروطه دلسرد شوند؛ مسئله‌ای که باعث شد تا انقلاب مشروطه اصلی‌ترین حامیان خود را از دست بدهد. در این رابطه، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «یکی از عواملی که موجب شکست مشروطیت شد، این بود که متدینین، بعد از مدتی، احساس کردند کار به سمت بی‌دینی پیش می‌رود. جنجال زیاد مطبوعاتی که آن وقت همه‌ی انگیزه‌ی خودشان را این قرار داده بودند که به مقدسات دینی حمله کنند ـ البته کسانی که در مشروطیت با اساس دین مقابله می‌کردند، عده‌ی زیادی نبودند، اما جنجالشان زیاد بود ـ موجب شد که متدینین، که در صفوف اول مبارزه‌ی مشروطیت بودند، به تدریج دلسرد شدند و کنار نشستند. وقتی چنین شد، نهضت شکست می‌خورد.»(۱۰)

روشن‌فکران غرب‌زده

در زمان اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه، برخی از افرادی که تحصیل‌کرده‌ی غرب بوده یا تحت تأثیر مکاتب غرب بودند، اقدام به تأسیس انجمن‌ها و گروه‌های مختلفی با هدف ترویج اندیشه‌های غربی در ایران نمودند. تا انقلاب مشروطه تعداد آن‌ها به ۱۴۰ انجمن در تهران با ۳۰ هزار عضو رسید. ضمن اینکه در شهرستان‌ها نیز این انجمن‌ها اقدام به تأسیس دفاتر و جذب هوادار نمودند. در همین زمان، انجمن‌ها توانستند برخی از شاهزادگان قاجار را جذب گروه‌های خود نمایند و در دربار، حامیانی کسب نمایند. علاوه بر این، انجمن‌ها از قبل از مشروطه با سفارت‌خانه‌های خارجی در ارتباط بودند و از آن‌ها کمک مالی نیز دریافت می‌کردند.(۱۱)

روشن‌فکران غرب‌زده، بعد از انقلاب مشروطه، همواره این اندیشه را که اگر خواهان پیشرفت هستیم، باید از سر تا پا غربی شویم، ترویج می‌کردند. این افراد در نهایت، با هدایت سفارت انگلیس، در تداوم رواج این اندیشه، اعلام کردند که اجرای چنین موضوعی نیازمند وجود فردی قوی در رأس کشور است تا بتواند زمینه‌های اجرای الگوی غربی توسعه در ایران را فراهم کند. به عبارتی، این افراد با تبلیغ غربی شدن به عنوان تنها راه پیشرفت، بسترهای روی کار آمدن رضاخان و شکست مشروطه را، که برآمده از حرکت دینی مردم بود، فراهم کردند.

به عنوان مثال، تقی‌زاده که نسخه‌ی مشهور او (فرنگی شدن از فرق سر تا نوک پا) به عنوان نماد غرب‌زدگی معروف شده، در نشریه‌ی «کاوه» درباره‌ی راه‌های پیشرفت نوشته است: «قبول و ترویج تمدن اروپا و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ عادات و رسوم و تربیت و کل اوضاع فرنگستان ضروری است. به نظر نگارنده، ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود و بس.»(۱۲)

همچنین ملکم‌خان از روشن‌فکران غرب‌زده در این باره می‌نویسد: «در مواجهه با فرهنگ جدید، سه راه بیشتر وجود ندارد. یا باید از متقدمین تقلید کرد؛ یعنی اینکه در استمرار سنت پای فشرد، یا از فرنگی‌ها سرمشق گرفت و یا ایرانیان خود اختراع کنند.» در نهایت بعد از این مقدمه، او خاطر نشان می‌کند که بعید است ایرانیان اختراعی بکنند. از این رو، باید به تقلید از غرب روی بیاورند.(۱۳)

در این رابطه، مقام معظم رهبری می‌گویند: «قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم قیام کردند، پیشرو آن‌ها هم علمای دین بودند. این‌ها می‌خواستند در ایران استبداد از بین برود. دولت انگلستان، که آن وقت در ایران نفوذ داشت و از عواملی در میان روشن‌فکران برخوردار بود، این‌ها را دید و نسخه‌ی خودش را به این‌ها القاء کرد. این روشن‌فکران، به جای اینکه دنبال دستگاه عدالت باشند، مشروطیت را سر کار آوردند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که مشروطه را هم به همان شکلی که خودشان می‌خواستند برگرداندند؛ مشروطه‌ای که به حکومت رضاخانی ختم شد!»(۱۴)

یکی از آسیب‌های انقلاب مشروطه در ایران، عدم حضور مردم در صحنه برای جلوگیری از انحراف دستاوردهای این انقلاب توسط عوامل غرب‌زده بود. این مسئله باعث شد تا روشن‌فکران غرب‌زده فضا برای مصادره‌ی مشروطه به نفع خود را مساعد ببینند و در راستای انحراف این انقلاب مردمی گام بردارند.

عدم حضور مردم در صحنه

یکی از آسیب‌های انقلاب مشروطه در ایران، عدم حضور مردم در صحنه برای جلوگیری از انحراف دستاوردهای این انقلاب توسط عوامل غرب‌زده بود. این مسئله باعث شد تا روشن‌فکران غرب‌زده فضا برای مصادره‌ی مشروطه به نفع خود را مساعد ببینند و در راستای انحراف این انقلاب مردمی، گام بردارند. این در حالی است که اگر مردم در موقعی که اولین انحراف را مشاهده می‌کردند، در صحنه حضور می‌یافتند و با غرب‌زدگان مقابله می‌کردند، شاید انحرافات بعدی پیش نمی‌آمد.

در این رابطه، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ملتی که در تهران ایستادند و تماشا کردند که مجتهد بزرگی مثل شیخ فضل‌الله نوری را بالای دار بکشند و دم نزدند؛ دیدند که او را به جرم اینکه با جریان انگلیسی و غرب‌گرای مشروطیت همراهی نکرد، ضدمشروطه قلمداد کردند. این سکوت باعث شد مجلس مؤسسانی تشکیل شود و در آنجا انتقال سلطنت به رضاشاه تصویب شود. آن‌ها یک عده آدم خاص نبودند؛ این یک گناه ملی و عمومی بود.»(۱۵)

فرجام سخن

مروری بر رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص انقلاب مشروطه نشان می‌دهد که عوامل بیگانه و غرب‌زدگان، برای اینکه بتوانند این جنبش مردمی را به نفع خود مصادره کنند، در ابتدا تلاش کردند تا علما را که رهبران این انقلاب بودند به انزوا بکشانند تا از این طریق، راه برای ورود تفکرات انحرافی و غربی در جامعه باز شود. وقتی این افراد به هدف خود رسیدند و با ترویج اینکه تنها راه پیشرفت، پیروی بی‌چون‌وچرا از غرب است، بسترهای لازم برای روی کار آمدن رضاخان را فراهم شد. البته در این بین، مردم نیز بی‌تقصیر نبودند؛ چرا که اگر در صورت مشاهده‌ی اولین انحراف خواص، در صحنه حضور می‌یافتند، می‌توانستند جلوی اقدامات بعدی غرب‌زدگان را بگیرند و از انحراف انقلاب مشروطه جلوگیری کنند.(*)

محسن موسوی‌زاده-انیشکده برهان

نامه دانشجویان به وزیر خارجه فرانسه:

آقای فابیوس! همه چیز در حافظه تاریخی ملت ایران محفوظ می‌ماند

ایدز
چگونه به ایران آمد؟!

شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران تاکید کرد:وزیر امور خارجه فرانسه توجه داشته باشد که همه چیز در حافظه تاریخی ملت ایران اسلامی محفوظ می‌ماند.

به گزارش گروه دانشگاه خبرگزاری تسنیم، شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران در پی حضور فابیوس وزیر امورخارجه فرانسه در نامه‌ای خطاب به وی، نکاتی را مطرح کرد.

در بخشی از نامه این دانشجویان آمده است: ملت بزرگ ایران اسلامی ملتی میهمان‌نواز است، اما در عین حال دارای حافظه‌ای تاریخی بسیار خوبی است.

ملت بزرگ ایران اسلامی امروز میزبان کسی است که سه دهه قبل یکی از مسببان اصلی انتقال فاکتورهای خونی آلوده به ویروس ایدز به کشور عزیزمان بوده که موجب قربانی شدن ۱۰۰۰ نفر از بیماران کشورمان شده است.

در بخش دیگری از این نامه تصریح شده است: ملت بزرگ ایران اسلامی امروز پذیرای شخصی است که از بزرگ‌ترین حامیان گروهک تروریستی منافقین است. گروهی که دستانشان آغشته به خون ۱۸۰۰۰ نفر از بهترین هموطنان این مرزو بوم است.

ملت بزرگ ایران اسلامی امروز میزبان شخصی است که به مردم خود نیز در ماجرای انفجار کشتی رنگین کمان باید در اعتراض به آزمایش‌های اتمی دولت فرانسه نیز رحم نکرده است.

امروز فردی از کشور فرانسه در خاک پاک ایران اسلامی قدم نهاده که یکی از حامیان صدام دیکتاتور معدوم عراق در کشتار مردم کشورمان بوده است.

در پایان نامه دانشجویان نیز آمده است: به رسم میهمان‌نوازی ایرانی و کرامت اسلامی ضمن سکوت معنادار در قبال این حضور تاسف آور امید است ملت آزاده فرانسه دگربار فردی پاکدست از خون انسان‌ها، شایسته و در خور شأن خود را در قالب نماینده به خاک پاک ایران اسلامی اعزام کنند، چرا که همه چیز در حافظه تاریخی ملت ایران اسلامی محفوظ می‌ماند.

خبرگزاری تسنیم

شواهد تاریخی خباثت‌های بی‌بی‌سی در ایران

مجوز فعالیت یک هفته‌ای بی‌بی‌سی فارسی در ایران برای تهیه گزارش در زمینه مذاکرات هسته‌ای مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است؛ رسانه‌ای که نمی‌توان از نقش بی‌بدیل آن در ایجاد فتنه‌انگیزی و خیانت در ایران چشم پوشی کرد و با تورق تاریخ می‌توان فهمید که مشی و روش بی‌بی‌سی از سال ۱۳۲۰ تاکنون هیچ تغییری نکرده است.

۱- رادیو بی‌بی‌سی در آستانه اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰

در سال‌های منتهی به اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ شوروی و انگلستان براساس رویه رقابت‌آمیز همیشگی خود در ایران به منظور پیگیری سیاست‌های تبلیغاتی خود در طول جنگ جهانی دوم به رسانه برتر روز یعنی رادیو روی آوردند و هر کدام به فاصله اندکی از همدیگر در برنامه‌های رادیویی برون‌مرزی خود بخش فارسی تاسیس کردند. ابتدا شوروی و به فاصله حدود یک سال انگلیس رادیویی به زبان فارسی راه‌اندازی کردند. آلمان هیتلری نیز برای بهره‌گیری از سلاح تبلیغات، رادیو برلین را پایه‌ریزی کرده بود تا افکار عمومی ایرانیان را به سود کشور متبوع خود سوق دهد. بنابراین، در سال‌های پایانی عصر رضاشاه رادیو مهم‌ترین رسانه تاثیرگذار در حیات سیاسی و اجتماعی ایران و جهان به شمار می‌رفت.این مسئله درست مقطعی بود که تنها ۲ سال از ورود رادیو به ایران سپری شده بود.

برنامه‌های گسترش رادیو که یک سال و اندی از عمر آن می‌گذشت با اشغال ایران با مشکل روبه‌رو شد. در این میان «دایره سانسور» نیز با فشار شوروی و انگلستان در اسفند ۱۳۲۰ با حضور نمایندگان این دو کشور، برای سانسور در رادیو و مطبوعات ایران و متحدین شکل گرفت.

بی بی‌سی فارسی که به رادیو لندن نیز معروف است، از قدیمی‌ترین بخش‌های این رسانه به زبانی غیرانگلیسی است که در دی ۱۳۱۹ / دسامبر ۱۹۴۰ با بودجه وزارت خارجه انگلیس آغاز به کار کرد.توجه به اهمیت راهبردی ایران و نقش تبلیغات در این بخش از جهان، عمده‌ترین ماموریت‌های آن، این بود که ضمن خنثی‌سازی تبلیغات رادیو برلین، برنامه‌هایی درراستای سیاست‌های جنگی دولت بریتانیا و متفقین سازمان دهد و ذهن ایرانیان را آماده برکناری رضاشاه و اشغال ایران کند.

رادیو لندن با پخش مطالبی علیه رضاشاه زمینه اشغال ایران را فراهم می کردو روس‌ها نیز با اعلامیه‌های فارسی که توسط هواپیماهای جنگنده روی شهرهای شمالی می‌ریختند، وی را مورد انتقاد قرار می‌دادند. رادیو بی بی‌سی توانست با مهندسی افکار عمومی ایرانیان در شهریور ۱۳۲۰، با شایعه‌سازی و در هم‌آمیختن برخی واقعیت‌ها با ادعاهای غیرواقعی، موفق به شکل‌دهی یک واقعیت تاریخی یعنی پایان سلطنت رضاشاه شد.

به این ترتیب که این رادیو نقش عمده‌ای در کنار سایر عوامل در تخریب چهره رضاشاه ایفا کرد تا حدی که آن شایعات به واقعیاتی تاریخی بدل شد و تا سال‌ها بر اذهان ایرانیان سنگینی کرد. بی بی‌سی توانست با شگردهای جنگ روانی و تبلیغاتی، مقاومت ایرانیان را در برابر قوای اشغالگر بشکند و ذهن آنان را آماده پذیرش اشغال کشورشان از سوی متفقین کند. غیر از رادیو لندن که مرتبا از رضاشاه انتقاد و افکار عمومی ایران را علیه او تحریک می کرد، رادیو دهلی و سایر رادیوهای اقماری انگلیس نیز با رادیو لندن همصدا شده و بستر مناسب و قابل پذیرشی برای برکناری و تبعید رضاشاه فراهم آوردند.

۲- خیانت بی‌بی‌سی فارسی به مردم ایران در دوران پهلوی

همانطور که اشاره شد، در جریان جنگ دوم جهانی رضاشاه با چرخش به سمت آلمان، در مقابل متفقین قرار گرفت، لذا انگلستان تلاش کرد تا این مهره سوخته را کنار بگذارد. در این حین بی‌بی‌سی مسئول اولیه آماده کردن شرایط برکناری رضا شاه و تحول اوضاع سیاسی به جانشین او شد. در کنار این نقش مهم، بی بی سی نقش حامی محمد رضا را داشت. چرا که انگلیسی ها بقای او را در راستای سیاست های خودمی دیدند. لذا این رسانه انگلیسی چشم خود را بر روی تمام اقدامات محمدرضا شاه جز در مقاطعی که انگلستان قصد امتیاز گیری از ایران را داشت، بسته بود؛ یعنی در شرایطی از پهلوی حمایت می‌کرد که بتواند منافع استعماری خود را در ایران پیش ببرد و بتواند از منابع غنی ایران بهره‌مند شود؛ به عنوان مثال در شکل‌دهی به امارات متحده عربی و قائله‌سازی در خصوص جزایر سه‌گانه ایران دیده می‌شود.

۳- نقش بی بی سی در کودتای ۲۸ مرداد و غارت نفت ایران

در جریان ملی شدن نفت، انگلستان که بیشترین زیان را دیده بود تلاش کرد تا بار دیگر نفت ایران را در اختیار خود بگیرد. در سال ۱۳۳۰ در ابتدای ورود هریمن نماینده آمریکا به ایران، انگلیس سعی داشت از طریق حزب توده در خیابان‌های تهران آشوب ایجاد کند. این آشوب در ۲۳ تیر به وجود آمد که طی آن عده‌ای کشته و زخمی شدند. روز ۲۴ تیر رادیو بی‌بی‌سی در تفسیر وقایع ایران گفت: «فاجعه روز یکشنبه نشان داد که دکتر مصدق حاکم و مسلط بر اوضاع نیست و کمونیستها در کمین هستند که ایران را ببلعند و اگر انگلستان پای خود را کنار بکشد کار ایران تمام خواهد شد.» این تبلیغات سوء بر بستر زمینه سیاسی ایران تا زمان سقوط دولت ادامه داشت.

در این زمان بی‌بی‌سی سه وظیفه مهم و سرنوشت‌ساز برعهده داشت:۱- ارتباط میان کودتاچیان و شاه. ۲- ابلاغ پیام رمزی به شاه جهت جلب اعتماد او. ۳- حمایت از کودتاچیان و ضعیف کردن جبهه مصدق با تبلیغات وسیع.

برهمین اساس در لندن داربی شر و وودهاوس ترتیبی دادند که برنامه اخبار بی‌بی‌سی که همیشه با عبارت «اکنون نیمه شب به وقت لندن است» آغاز می‌شد، با عبارت «اکنون دقیقاً نیمه شب است» آغاز شود. این علامت رمزی بود برای شاه که انگلیسی‌ها از او حمایت خواهند کرد. رادیوی بی‌بی‌سی فارسی در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد همچنان به پخش و انتشار «گفتنی‌های لازم» مشغول بود. بی‌بی‌سی فارسی در شب ۲۸ مرداد در پایان برنامه‌ای که بر ضد مصدق پخش کرد بار دیگر همان شعر فردوسی را یاد کرد که در شب ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ آورده بود: چو فردا برآید بلند آفتاب/من و گرز و میدان و افراسیاب

۴- نقش بی بی سی در جدایی بحرین از ایران

در تابستان ۱۳۵۰ با فشار انگلستان، بحرین طی یک رفراندوم ساختگی و غیرقانونی از ایران جدا شد. بخش وسیعی از تبلیغات در این رابطه بر عهده بی‌بی‌سی بود. این شبکه که یکی از عوامل شکل دهنده ۲۸ مرداد بود، در جریان جدایی بحرین از ایران با خیانت به ملت ایران شاه را نیز فریب داد. این شبکه طی برنامه‌های خود در مورد مطالبات ایران در خلیج فارس، علیه ایران و به سود اعراب(و در واقع به نفع منافع استعماری خود) وارد عمل شد. پخش برنامه های بی بی سی در این رویداد ننگین به صورت ویژه ای جریان داشت. طوری به صورت مستمر و مداوم در راستای آماده سازی زمینه های فکری ایرانیان برنامه سازی و تبلیغ می شد. بی بی سی فریب افکار عمومی در ایران را طوری با موفقیت انجام داد که بعد از این اقدام هیچ اعتراضی صورت نگرفت.

۵- کارشکنی‌های بی‌بی‌سی در جریان انقلاب اسلامی

در جریان انقلاب اسلامی ایران، بنگاه سخن‌پراکنی بی‌بی‌سی با زیرکی خاصی همواره درصدد تضعیف مبانی انقلاب بود. این شبکه با به راه انداختن جنگ روانی علیه نیروهای انقلابی سعی می‌کرد تا از پیروزی انقلاب جلوگیری کرده و حکومت شاه را تداوم بخشد. بی‌بی‌سی با تفسیر وارونه رویدادها و انتشار اخبار دروغین تلاش می‌کرد تا بین نیروهای انقلابی اختلاف ایجاد کند، ارتش را علیه نیروهای انقلابی تحریک کند، با قدرتمند جلوه دادن رژیم پهلوی انقلابیون را از ادامه کار مایوس کند، تشکیل حکومت اسلامی را زیر سوال ببرد، حرکت تکاملی مردم را حرکت به سوی هرج و مرج جلوه دهد و با بی‌نتیجه جلوه دادن انقلاب مردم را از شرکت در راهپیمایی بترسانند.

بی‌بی‌سی در آستانه ورود امام خمینی(ره) دست به یک جنگ تمام عیار روانی علیه انقلاب زد. رادیو بی‌بی‌سی در دهم بهمن گفت که هرج و مرج در ایران حاکم شده است. این شبکه با دگرگون کردن واقعیت، ایران را در آستانه یک جنگ داخلی نشان می‌داد و انقلابیون را از حضور در تظاهرات ضد رژیم باز می‌داشت. در جریان انقلاب اسلامی بی‌بی‌سی هرگز نتوانست ضدیت خود با انقلاب اسلامی را مخفی نگاه دارد. به همین جهت مصاحبه شوندگان آن اکثرا عناصر مخالف و ناخرسند از انقلاب بودند. از شهریور ۲۰ تا آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت، سیاست انگلیس بر آن بود تا دولت قوی در ایران روی کار نیاید. به همین دلیل، در یازده سال، نوزده کابینه طلوع و غروب کردند؛ همچنین دیکتاتوری متمرکز که موجب گسترش اعتراضات شده بود. در چنین فضایی که تهدید و ارعاب عوامل انگلیسی، مانع از هرگونه اقدامی در راستای حفظ مصالح ملی می‌شد، تنها جریانی که توانست با برخورداری از پشتوانه مردمی، استبداد حاکم شده بر کشور توسط این گروه‌ها را خنثی کند، گروه فداییان اسلام بود. بی‌بی‌سی در این بخش نه از ماهیت هژیر سخنی به میان می‌آورد و نه از گروهی که این عنصر سد راه برگزاری انتخابات آزاد را از میان برداشت؛ در حالی که به گفته سنجابی با وجود چنین مجری قدرتمندی که مانع جدی شکل گیری مشارکت مردم در اراده امور جامعه بود، امکان راهیابی افراد غیروابسته به مجلس وجود نداشت. سیاست ضدمردمی انگلیس را به خوبی می‌توانیم از نوع عملکرد افراد شاخص وابسته به این کشور دریابیم.

۶- بی بی سی و تطهیر فرقه ضاله بهایت

بنای بنگاه خبر پراکنی بی‌بی‌سی فارسی از همان ابتدا با به کار گیری افرادی از فرقه ضاله بهائیت گذاشته شده است؛ موقر بالیوزی که یکی از سرشناس‌ترین چهره های بهائیت در ایران بود، در ابتدا رادیو بی‌بی‌سی را با بنا نهاد و افرادی همچون باقر معین، شاداب وجدی، لطفعلی خنجی و ... را در بدنه اصلی بی‌بی‌سی فارسی به کار گماشت و بهروز آفاق(عنصر بهایی که نقش عمده‌ای در بهایی کردن کارکنان بی‌بی‌سی فارسی داشته‌است) اوایل سال ۲۰۱۱ بود که سایت بی‌بی‌سی فارسی را با همکاری اعضای این فرقه انگلیسی ساخته وارد فضای مجازی کرد و با آغاز به کار تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به تلویزیون آمد تا برخی از اعضا تیم بهایی مستقر در سایت بی بی سی فارسی به همراه عناصر جدید بهایی به تلویزیون بی بی سی نقل مکان کنند.

با راه‌اندازی شبکه تلوزیونی بی‌بی‌سی فارسی سنت تبلیغ فرقه ضاله بهائیت در این رسانه ادامه یافت. بی‌بی‌سی فارسی با اعزام خبرنگاران خود به سرزمین‌های اشغالی، سعی کرد تا با توسل به ترفندهای مختلف، چهره بهائیت را تطهیر کند.

۷- اقدامات بی‌بی سی در فتنه ۸۸

در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقش رسانه ای بی بی سی در ایران وارد مرحله جدیدی می شود. طوری که این رسانه استعماری سعی دارد از حوادث احتمالی انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ سوءاستفاده کند و برای رسیده به هدف خود نیز اقداماتی را به شرح زیر در دستور کار خود قرار می‌دهد؛

از سال ۱۳۸۵ بود که وزارت امور خارجه انگلیس پیشنهاد تاسیس تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی را مطرح کرد و در سال ۱۳۸۶ بود که این پیشنهاد از سوی بازوهای رسانه‌ای دربار سلطنتی پذیرفته شد. از همان سال ۸۶ تمامی تلاش‌ها برای هر چه زودتر روی آنتن بردن برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی اغاز شد و سرانجام در ۲۵ دی ۱۳۸۷ و چند روز بعد از هفتاد سالگی رادیو فارسی «بی بی سی»، برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی روی آنتن رفت. تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی از همان ابتدا به انتخابات دور دهم ریاست جمهوری ایران که قرار بود در خرداد ماه ۱۳۸۸ برگزار شود پرداخت؛ موضوعی که شاید در آن زمان برای مخاطبان عام چندان غریب نمی نمود.

۷-۱: ۲۴ ساعته شدن برنامه‌های بی‌بی‌سی در زمان انتخابات دهم ریاست جمهوری: شبکه بی بی سی فارسی که چیزی حدود ۶ ماه پیش از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پا به عرصه وجود گذاشته بود، تلاش بسیاری برای پوشش اخبار جهت دار انتخابات و نامزدها می‌کرد و درست ۲۴ ساعت پیش از آغاز رای گیری برنامه‌های خود را شبانه روزی کرد.

۷-۲: تلاش بی‌بی‌سی در جهت تئوریزه کردن بحث تقلب: شبکه متعلق به استعمار پیر که از ماه‌های قبل ازانتخابات، خود را آماده بحران‌سازی کرده بود پیشاپیش در اخبار و تحلیل‌های به اصطلاح کارشناسان سیاسی مسائل ایران، بحث تقلب را تئوریزه و قاطعانه بر آن پای می‌فشرد.

بی‌بی‌سی در چارچوب سناریوی خود، جمعه شب ۲۲ خرداد در قالب برنامه‌های زنده پروژه تقلب در انتخابات را با حضور فرخ نگهدار، رئیس گروهک فدائیان خلق و صادق صبا تحلیلگر سیاسی کلید زد و پس از این به تناوب انتشار خبرهایی از ایران، ارتباط مستقیم و... کارشناسانی مانند جمشید برزگر، هاشم احمدزاده، احمد سلامتیان، سعید برزین، مسعود بهنود و... در استودیو و آدم‌هایی از احزاب و گروهک‌های داخل ایران هر لحظه به موازات اعلام آرا انتخابات ریاست جمهوری، بر حملات و تثبیت و تلقین تقلب در انتخابات افزود، به صورتی که نزدیک صبح و تا ظهر شنبه جملگی گزارش‌های این شبکه دستور حمله، اغتشاش و افزایش نارضایتی بود.

۷-۳: نقش بی بدیل بی‌بی‌سی در اغتشاشات:

پوشش وسیع اخبار اغتشاشات در چند نقطه معدود تهران در این شبکه و انتشار بلادرنگ اخبار فتنه گران وبیانیه‌های آنان از جمله خطوطی بود که در حوادث بعد از انتخابات توسط این شبکه خبری دنبال می‌شد و به خاطر پوشش همین اخبار بود که نمایندگان مجلس عوام انگلیس از دست اندرکاران این شبکه تقدیر و تشکر کردند.

۸- وارونه نمایی بی بی سی در مذاکرات هسته ای

نقش بی بی سی در جریان مذاکرات اخیر هسته‌ای در وین نیز در امتداد نقش تاریخی این رسانه استعماری است. بررسی محورهای تبلیغاتی و اطلاع رسانی این رسانه معاند جمهوری اسلامی به روشنی نشان می‌دهد که این رسانه مطابق آنچه دستور می‌گیرد در تلاش است تا به هر شکل ممکن از رسیدن جمهوری اسلامی ایران به اهدافش از مذاکرات هسته‌ای ممانعت کند. در این باره باید اشاره کرد که گزارش‌های تلویزیون بی‌بی سی فارسی درباره وضعیت سایت نطنز، پیوستن وزیران خارجه قدرت‌های اروپایی به مذاکرات هسته‌ای وین و مکانیسم لغو تحریم ها علیه ایران مهمترین سوژه‌های تبلیغی بنگاه رسانه‌ای دولت بریتانیا در زمینه هسته‌ای بوده اند. موارد زیر در این باره بیشتر توضیح می‌دهد:

القای بی‌اعتمادی به ایران: در حالی که جمهوری اسلامی ایران از نظر حقوقی تمام موازین قانونی هسته‌ای را تاکنون اعمال کرده و فعالیت‌های هسته‌ای اش مطابق معاهده منع گسترش بوده است اما بی‌بی سی فارسی اصرار ویژه‌ای دارد که همچنان انجام این تعهدات را غیر قابل اتکا دانسته و ایران را غیر قابل اعتماد نشان دهد. بر این اساس، طرح این گزاره که «هرچند ۳سایت فردو، نطنز و راکتور تحقیقاتی اراک هیچ کدام معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را نقض نکرده و آمریکا هم این را قبول کرده اما اعتماد کافی به آینده فعالیت‌های هسته‌ای ایران ایجاد نشده است» در همین راستا ارزیابی می‌شود.

تکرار کلیدواژه **«جنگ سرد»** و تاکید بر **«آینده‌ای نامطمئن»**: در این باره همواره تاکید می‌شود که تهدیدهای جنگ سرد تمام نشده است و برنامه هسته‌ای ایران چالش بزرگی برای امنیت جهان و شاید بزرگترین چالش باشد. در ادامه این گزاره البته تاکید می‌شود که در مقایسه با خطراتی که ایران هسته‌ای در «دهه‌های بعد» خواهد داشت حمله به ایران بدترین گزینه نیست! دراین جا اتاق فکرها هم البته به کمک رسانه می‌آیند، آنجا که به نقل از «جوزف سیرینسیونه رئیس بنیاد امنیت جهانی پلاشر موضوع هسته‌ای ایران تا حد یک رقیب جنگ سرد برای آمریکا، بزرگنمایی می‌شود.

فراوانی به کارگیری واژه «پنهان‌کاری» در مورد ایران: در حالی که ایران در طول مذاکرات تماماً در راستای شفاف سازی حرکت کرده و در عین حال با تمام توان در پی احقاق حقوق مسلم بوده است، فراوانی به کارگیری واژه پنهان کاری از سوی بی‌بی سی فارسی خباثت دیگری است که این رسانه معاند مامور انجام آن است. بی‌بی سی فارسی با بهره گیری از بدیهیاتی چون سیستم‌های حفاظتی سایت‌های هسته‌ای کشورمان اینگونه القا می‌کند که «تاسیسات غنی سازی نطنز نوعی کابوس برای غرب است چون تاسیساتی بسیار حفاظت شده در چندین حصار امنیتی بوده که مجاور «خاکریزی طولانی» ایجاد شده است تا این تاسیسات را از چشم ها پنهان کند»!

بازی مکرر با مفهوم «امنیت جهانی»: پیوستن وزیران خارجه قدرت‌های اروپایی به مذاکرات هسته‌ای ایران در وین نیز بهانه‌ای برای طرح مفاهیم و گزاره‌های تبلیغی علیه کشورمان از سوی این رسانه غربی فراهم کرده است. بی‌بی سی در این مدت به دفعات اینگونه القا کرده است که مهمترین مسئله در موضوع هسته‌ای ایران، مسئله امنیت جهانی و تهدید سلاح اتمی است و به همین دلیل است که کشورهای بزرگ در سطح وزرای خارجه به مذاکرات پیوسته اند.

تاکید بر واژه «تصمیم سیاسی» در مورد ایران: بی‌بی سی فارسی طی روزهای اخیر بارها حل «مسائل باقی مانده» را منوط به «تصمیم سیاسی» ایران عنوان کرده در حالی که تقریبا بر آگاهان سیاسی عرصه مذاکرات روشن است که بیش از هر چیز سردرگمی و اختلاف نظر ترویکای اروپایی و آمریکاست که ترمز اصلی روند مذاکرات شده است.

بر این اساس به نظر می‌رسد که بی‌بی سی فارسی تاکنون نقش خود را در وارونه نمایی حقایق مذاکرات به خوبی ایفا کرده و بیشترین تاثیر را در مقصرنمایی ایران داشته است، موضوعی که این روزها در دستور کار اصلی اتاق فکرهای غربی علیه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

منبع: وبسایت تریبون